

چکیده:

مشاوران کودکان استثنایی از جمله افرادی هستند که در امر آموزش کودکان استثنایی نقش مؤثری را ایفاء می‌کنند. این دسته از متخصصان اغلب به طور مستقیم با والدین در ارتباط هستند و بنابر موقعیت حرفه‌ای خویش باید پاسخگوی برخی از نیازهای والدین باشند. با توجه به اینکه والدین در امر تربیت کودکان خود نیازمند اطلاعاتی در مورد فرایند تحول، استعدادها، تواناییها و ناتوانیهای کودک هستند، و این امر بخصوص برای والدین کودکان استثنایی ضرورت بیشتری دارد، متخصصان باید اطلاعات و مهارتهای ویژه را به والدین ارائه و آموزش دهند. لذا مقاله حاضر با هدف راهنمایی و ارائه خط مشی‌های خاص به مشاوران کودکان استثنایی در پاسخگویی به نیازهای والدین کودکان عقب مانده ذهنی تهیه شده است.

نقش مشاوران کودکان استثنایی در آموزش والدین آنها

علی اکبر ابراهیمی

سیامک سامانی

خانواده به عنوان مهمترین گروه اجتماعی که کودک معلول عضوی از آن است، در تحول ساختهای شناختی، اجتماعی و عاطفی کودک نقش بسزایی را ایفاء می‌کند. نقش خانواده در امر آموزش کودکان استثنایی و بخصوص کودکان عقب مانده ذهنی بسیار خطیر و مهم است. خانواده به عنوان محیطی که کودک عقب مانده (بخصوص کودکان عقب مانده آموزش پذیر و تربیت پذیر) بیشترین وقت خود را در آن می‌گذراند، پایگاه آموزشی مهمی از سوی متخصصان تلقی می‌گردد. خانواده و بخصوص والدین می‌توانند با افزایش شناخت خود از نیازها و ناتوانیهای کودک، در اصلاح و پیشرفت سریع او گام بردارند. همچنین وجود رابطه عاطفی مثبت و واقع بینانه میان پدر و مادر کودک عقب مانده، مراحل اصلاح و آموزش کودک را تسریع می‌کند، دردهای اخیر تحقیقات زیادی در مورد عملکرد روان شناختی خانواده‌های کودک معلول انجام شده است. این تحقیقات نشان داده‌اند که خانواده‌های کودکان



معلول نسبت به خانواده‌های کودکان عادی؛ در معرض تنیدگی (کازاک، ۱۹۸۶) و افسردگی بیشتری هستند (کاکس، راتر، نیومن و بارتاک، ۱۹۷۵)؛ در امر سازگاری، با مشکلات بیشتری مواجهند (مک کوپین و همکاران، ۱۹۸۲)؛ انسجام خانوادگی کمتری دارند (دارلینگ، ۱۹۷۹)؛ با مشکلات اقتصادی بیشتری دست به گریبان هستند (رات، ۱۹۸۹)؛ و در فعالیتهای اجتماعی کمتر شرکت می‌کنند. (برسلاو، ۱۹۸۳). اگرچه محققان در مورد ارتباط این متغیرها نظریات متفاوتی دارند، اما بر این موضوع که این والدین و کودکان آنها در زندگی خانوادگی دچار مشکلاتی هستند، توافقی همگانی وجود دارد. نکته قابل توجه اینکه به رغم این پیامدهای شناخته شده، کوششهای ناچیزی در جهت کاهش تنشهای حاصل از آنها صورت گرفته است.

نیازسنجی

خانواده کودک عقب مانده ذهنی به تناسب نوع و شدت معلولیت، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، مسائل فرهنگی و سن کودک به

در هر حال به لحاظ نوع و شدت معلولیت، والدین باید خود را به دانش و مهارتهای

سیمونسون، ۱۹۸۸) که نیازهای خانواده‌ها را در ۵ مقوله: اطلاع و آگاهی، حمایت، گفت‌وگو با دیگران، خدمات اجتماعی و نیازهای مالی مورد سنجش قرار می‌دهد.

بطور خلاصه می‌توان گفت که متخصصان باید با توجه به نوع معلولیت، شدت آن، شرایط محیطی و اجتماعی حاکم بر خانواده و سن کودک عقب مانده ذهنی، اقدام به نیازسنجی کنند و متناسب با عوامل فوق به ارائه اطلاعات و آموزش مهارت‌های لازم بپردازند (مک داوول، ۱۹۸۲).

هدفهای اصلی برنامه آموزش والدین، در واقع بهبود بخشیدن به وضعیت سازش یافتگی اجتماعی و فردی کودکان عقب مانده ذهنی، بهبود رابطه میان کودک و والدین، لذت بخش کردن جریان زندگی روزمره و ارائه اطلاعات غنی در مورد فرایند تحول می‌باشد. بدین معنا که والدین با شناخت هرچه بیشتر کودک خود و فراگرفتن مهارت‌های کاربردی در پرورش کودک عقب مانده، زمینه را برای سازش یافتگی هرچه بیشتر کودک خود فراهم می‌آورند. در این راستا (توسعه دانش و آگاهی و فراگرفتن مهارت‌ها) روشهای مختلفی وجود دارد (وستمن، ۱۹۹۰).

یکی از اولین تحقیقات در زمینه آموزش خانواده به توسط فلدمن و همکاران (۱۹۸۶) انجام شده است. مهارت‌های مهمی نظیر پاداش دادن به رفتار مناسب و تقلید صداهای کودک به توسط چند تکنیک اصلاح رفتار (الگوسازی، تمرین و پاداش) و آموزش (بحث گروهی و آموزش تنها)، به والدین تعلیم داده شد. نتایج نشان داد که مهارت‌های والدین افزایش یافته بود. در یک مطالعه دیگر فانتازو، رای، هال و

اطلاعات و مهارت‌های ویژه و متفاوتی نیاز دارد. به عبارت دیگر خانواده‌ای که کودک عقب مانده شدید دارد، نسبت به خانواده‌ای که کودک عقب مانده نیمه شدید دارد، به اطلاعات و مهارت‌های بیشتری در زمینه رفتار سازشی نیازمند است. همچنین خانواده‌ای که کودکی با عقب ماندگی ذهنی و اختلالات حرکتی دارد، نسبت به خانواده‌ای که کودکی با عقب ماندگی ذهنی دارد، به دانش و مهارت‌های بیشتر و متنوع‌تری نیاز دارد. برخی متخصصان، نیازهای کودک عقب مانده ذهنی و خانواده آنها را بر اساس سلسله مراتب نیازهای "مزلو" طبقه‌بندی می‌کنند و معتقدند خانواده‌ای که در شرایط فقر اقتصادی به سر می‌برد، بیشترین نیازش مربوط به مسائل خوراک، پوشاک و مسکن است و یا برای مثال: خانواده‌ای که سرپرست خود را به نحوی از دست داده، به امکانات و منابع مالی و امنیت اقتصادی و اجتماعی بیشتری برای زیست نیاز دارد. در ارتباط با خانواده‌هایی که کودک عقب مانده ذهنی دارند نیز همین احکام صادق است. یعنی خانواده‌ای که یک کودک عقب مانده شدید دارد، نسبت به خانواده‌ای با کودک عادی، نیازمند هزینه و امکانات مالی بیشتری برای مرتفع ساختن نیازهای غذایی و بهداشتی کودک خود است. سن کودک عقب مانده نیز به عنوان عامل دیگر در تعیین نیازهای کودک و خانواده اهمیت دارد. چنانکه برای مثال: دو فرد عقب مانده ۹ و ۱۸ ساله نیازهای متفاوتی دارند و به تبع آن خانواده آنها نیز به اطلاعات متفاوتی نیازمند هستند. در حال حاضر پرسشنامه‌هایی برای سنجش نیازهای خانواده کودکان معلول فراهم شده است (بیلی و



آزار (۱۹۸۶) تمریخی برنامه آموزش والدین دارای کودک عقب مانده را بررسی کردند. آنها روش سؤال و جواب را برای هر دو والد کودک به کار بردند. نتایج نشان داد که اطلاعات والدین از مهارت‌های والدی و اجتماعی افزایش یافته، قابل‌تعمیم به موقعیت‌های دیگر بود.

والدین کودکان عقب مانده ذهنی علاوه بر کسب اطلاعاتی در زمینه نیازهای کودک خود، باید با مفاهیم و اصول آموزش کودکان عقب مانده نیز آشنا شوند. از جمله این اصول و مفاهیم، اصل "محیطی با حداقل محدودیت" است. محیطی با حداقل محدودیت به این نکته اشاره دارد که کودک عقب مانده ذهنی را باید در شرایطی قرار داد که زمینه برای شکوفایی حداقل استعدادها موجود در او فراهم شود و در این راه باید موانع و عواملی که به نحوی در شکوفایی کودک اختلال ایجاد می‌کند، حذف گردد. کسب اطلاعات در زمینه موضوع آموزش افرادی نیز خانواده را برای شرکت در فعالیت

آموزشی کودک عقب مانده ذهنی آماده می‌کند و گروه خانواده را برای توسعه اطلاعات و مهارت خود در راستای تعلیم و تربیت کودک عقب مانده یاری می‌رساند. در این گونه برنامه‌ها والدین یا معلمان و متخصصان با امکانات موجود در جامعه آشنا می‌گردند و در بسیج امکانات و اطلاعات مربوط به بهبود شرایط کودک خود گام برمی‌دارند. این گونه جلسات معمولاً براساس نیازمندیهای کودک تشکیل می‌گردد و فرایندی پویا و فعال دارد. در این قبیل جلسات با جمع‌بندی نظرهای منابع مختلف اطلاعاتی و امکاناتی، زمینه برای پیشبرد هرچه بهتر جریان آموزش آماده می‌گردد.

چه مهارتهایی باید آموزش داده شود؟

والدین به اطلاعات مختلفی در زمینه نیازهای ویژه کودک خود نیاز دارند. برخی از

والدین کودکان عقب مانده ذهنی علاوه بر کسب اطلاعاتی در زمینه نیازهای کودک خود، باید با مفاهیم و اصول آموزش کودکان عقب مانده نیز آشنا شوند. از جمله این اصول و مفاهیم، اصل "محیطی با حداقل محدودیت" است. محیطی با حداقل محدودیت به این نکته اشاره دارد که کودک عقب مانده ذهنی را باید در شرایطی قرار داد که زمینه برای شکوفایی حداقل استعدادها موجود در او فراهم شود و در این راه باید موانع و عواملی که به نحوی در شکوفایی کودک اختلال ایجاد می‌کند، حذف گردد. کسب اطلاعات در زمینه موضوع آموزش افرادی نیز خانواده را برای شرکت در فعالیت

- مهمترین چیزی که کودک ما باید یاد بگیرد چیست؟
 - در منزل چگونه می‌توانیم با کودک کار کنیم؟
 - چگونه می‌توانیم رفتار کودک را کنترل کنیم؟
 - چه موقع کودک برای زندگی آماده می‌شود؟
 - آیا باید برای یادگیری او طرح خاصی بریزیم؟
 - ناتوانیها در یادگیری یعنی چه؟
 - عقب ماندگی نیمه شدید یعنی چه؟
 - آیا می‌توان هوشبهر را افزایش داد؟
 - آیا کودک من دارای مشکل عاطفی است؟
 - آیا من مقصر هستم؟
 - آیا فیزیوتراپی باعث بهتر شدن وضعیت حرکتی کودک می‌شود؟
 - اگر سوالی داشتیم، می‌توانیم از منزل با شما تماس بگیریم؟

این نوع اطلاعات از سوی معلم کودک قابل پاسخگویی است، لیکن پاسخگویی به برخی نیازمندیهای خانواده از حیثه دانش معلم فراتر می‌باشد و والدین باید برای کسب اطلاع در این زمینه‌ها به یک فرد متخصص رجوع کنند. عمومی‌ترین سؤال والدین از متخصصان این است که: "کودک ما در چه سطحی است؟" این سؤال والدین در واقع ناشی از این حقیقت است که آنها می‌خواهند فرزندشان پیشرفت کند و همانند سایر همسالانش باشد. برخلاف کلیت نوع سؤال، پاسخ آن باید با دقت و از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گیرد و از سوی متخصصان ورزیده ارائه شود. برای تعیین نوع مهارت و آموزش، متخصصان می‌توانند محتوای آموزش را براساس سئوالاتی که والدین از متخصصان می‌پرسند، تعیین کنند. بعضی از این سئوالات عبارتند از:
 - کودک عادی در این سن چگونه کودکی است؟



۴ - انضباط : با استفاده از مقادیر مشخص تقویت کننده در زمان خاص، قطع تأیید و حمایت اجتماعی (برای مثال، وقتی کودک رفتار سازش نایافته نشان می‌دهد، والدین نباید بطور شفاهی یا جسمی با او تعامل کنند) و استفاده از روش زمان محرومیت در قبال رفتار منفی کودک.

رفتار سازش نایافته، هر نوع رفتار پرخاشگرانه و یا نامناسب از نظر اجتماعی است که مستلزم مداخله والدین است. این نوع رفتار شامل : ضربه زدن، سیلی زدن، نیشگون گرفتن، و رفتن با اشیایی که برای بازی مناسب نیستند (مثلاً لامپ یا تلفن)، فریاد زدن و نادیده گرفتن درخواست والدین برای متوقف ساختن رفتار می‌باشد.

ویستون (۱۹۸۶) مهارتهای زیر را برای آموزش به والدین مناسب می‌داند: مهارتهای ارتباطی، مهارتهای حل مشکل، تکنیکهای تصمیم‌گیری، مهارتهای کنترل و نظارت بر شبکه‌های حمایت اجتماعی و نظارت در امر برنامه‌ریزی آموزش انفرادی کودک.

نتایج ناشی از آموزش مهارتها به والدین

نتایج مطالعات نشان می‌دهد که والدین دارای کودک عقب مانده ذهنی، می‌توانند مهارتهای والدی را یاد بگیرند، اما این یادگیری منجر به افزایش اجرا و کاربرد آنها در خانه نمی‌شود. ممکن است والدین مهارتها را خوب یاد بگیرند و توصیف کنند، اما نتوانند آن را بخوبی در خانه به کار برند. بیشترین تعمیم، زمانی صورت می‌گیرد که آموزش مهارتها در خانه یا محیطهای مشابه با خانه انجام شود

۱ - آیا فرستادن کودک به مدرسه استثنایی باعث ناراحتی خانواده می‌شود؟ آیا می‌توان او را به مدرسه عادی فرستاد؟

چه تفاوتی میان کودک دیرآموز، عقب مانده و ناتوان در یادگیری وجود دارد؟
چه نوع فعالیتی برای کودک من در خانه مفید است؟

۲ - آیا کودک من در آینده می‌تواند مستقل زندگی کند؟

وقتی کودکم راه خانه را گم می‌کند، چه باید بکنیم؟

۳ - در پنج سال آینده کودکم چه تغییری خواهد کرد؟

۴ - آیا کودکم می‌تواند سرکار برود؟

۵ - چه کسی بعد از من از کودک مراقبت خواهد کرد؟

۶ - اگر کودک چیزی یاد نگرفت چه می‌شود؟
۷ - چه موقع فرزندم می‌تواند از آموزش ویژه خارج شود؟

محتوای برنامه آموزش والدین باید شامل تکنیکهای اصلاح رفتار به منظور کنترل رفتار کودک با کمک به والدین برای پذیرش کودک معلول باشد. در مطالعه فلدمن و همکاران (۱۹۸۶) محتوای آموزش عبارت بود از :

۱ - پاداش : والدین باید وابسته بودن رفتار کودک به پیامدهای لذت بخش را بررسی کنند.
۲ - توجه والدین : (الف) روبرو شدن با کودک (مشاهده کودک). (ب) لمس (لمس فیزیکی کودک با شیوه غیرپرخاشگرانه) و گفت وگو (هدایت و جهت دهی اصوات و جملات کوتاه کودک).

۳ - تعامل کلامی با کودک (گسترش و وسیع نمودن دامنه ارتباطات گفتاری با کودک).

(بیکن، ۱۹۹۳).

موقعیتهای فردی و اجتماعی آموزش داد. والدین باید مهارتهای آموخته شده را در مواجهه با مشکل در منزل یا موقعیتهای دیگر به کار برند. باید فرصتی فراهم شود که والدین به کار بستن مهارتها به توسط دیگران را در رویارویی با مشکلات مختلف مشاهده کنند. تکرار و تمرین مداوم مهارتها، خزانه مهارتهای سازشی والدین را غنی می سازد. آموزش مهارتها، باعث کاهش افسردگی والدین می شود. این آموزشها، در ایفای نقش والدی و تعاملات اجتماعی نقش مؤثری دارد و باعث احساس اطمینان بیشتر می شود. آموزش مهارتها برای والدینی که کودکان ناتوان آنها در آستانه نوجوانی هستند، ضرورت بیشتری دارد. روابط خانوادگی در اثر آموزش بهبود می یابد و در نهایت اینکه، آموزش مهارتها به خانواده سبب رضایت بیشتر آنها از برقراری ارتباط با سایر کودکان معلول می شود (یکپارچه سازی).

آموزش نباید منحصر به مهارتهای کلامی (دانش یا فهم) باشد، بلکه باید به کار بستن مهارتها در موقعیتهای واقعی نیز مورد توجه جدی قرار گیرد.

آموزش مهارتها به والدین سبب می شود که مهارتهای ارتباطی و سازش یافتگی پیشرفت و بهبود یابند و برای تقریباً دو سال باقی بمانند. سه منبع سازش یافتگی اجتماعی عبارت است از:

(الف) توانایی حل مشکل، که افراد با برخورداری از آن یاد می گیرند مشکلات خود را حل کنند و تنیدگی های خود را کاهش دهند.

(ب) آموزش مهارتهای اجتماعی تا از منابع حمایتی موجود بهره برده، آن را به کار برند.

(ج) آموزش مدل ارزیابی شناختی تا از طریق آن افراد فرایند تنیدگی را متوقف سازند و آن را کنترل کنند (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۴). والدین را باید برای حل مشکل در

منابع:

- 1 - BAKER.J. (1993). TEACHING PARENTS WITH MENTAL RETARDATION: KNOWLEDGE RERSUS SKILLS. AMERICAN JOURNAL OF MENTAL RETARDATION. 97 . 405 - 417.
- 2 - BAILEY. D.B., SIMEONSSON. R.J. (1988). ASSESSING NEEDS OF FAMILIES WITH HANDICAPED INFANTS. THE JOURNAL OF SPECIAL EDUCATION 22 - 117 - 127.
- 3 - BAKMAN . L. (1993). TWO - YEAR FOLLOW UP OF SKILLS TRAINING WITH MOTHERS OF CHILDREN WITH DISABILITIES. AMERICAN JOURNAL OF MENTAL RETARDATION . 5 . 509 - 520 -
- 4 - PHILIPS. E.L. (1985). HANDBOOK OF SOCIAL SKILLS TRAINING AND REASERCH. HISTORY AND PROSPECT. NEWYORK - WILLY.
- 5 - WESTLING . D. L. , KOORLAND . M . A. (1988) . THE SPECIAL EDUCATORS HAND BOOK. ALLYN - BACON, INC.
- 6 - WINTON. P. (1986). EFFECTIVE STRATEGIES FOR INVOLVING FAMILIES IN INTERVENTION EFFORTS. EXCEPTIONAL CHILDREN. 18 . 1 - 12.

نمی‌توان زن و مردی را پیدا کرد که در همه خلقیات کامل و بی‌نقص باشند. روی این اصل زن و مرد باید نقاط ضعف یکدیگر را شناسایی بکنند و با روحیه سازگاری آن را تحمل نمایند. خداوند متعال به ابراهیم پیامبر دستور داد در ارتباط با همسرش سارا، روش سازگاری را در پیش گیرد. رسول خدا نیز می‌فرمود: نیمی از زندگی مرهون سازش و سازگاری است.^۶ بنابراین زنان و مردان نباید مسائل خانوادگی را تنها از یک بعد مورد بررسی و قضاوت قرار دهند، بلکه باید کمالات و نقایص خود و طرف مقابل را در کنار هم تجزیه و تحلیل کنند. به عبارت دیگر زن خانه باید در برابر نارسایی‌های مرد، و مرد خانه در برابر منش‌های نازیبای زن سازگار باشند.



منابع:

- ۱- کتاب سنن النبی، تألیف حجت‌الاسلام فقهی، باب ویژگی‌های پیامبر اسلام (ص)
- ۲- کتاب وسایل الشیعه، باب نکاح، باب حقوق زن و مرد
- ۳- کتاب نهج البلاغه، ماده بشر
- ۴- المؤمن اصلب من الصلبد، کتاب
- سفینة البحار، ماده امن
- ۵- سوره فتح، آیه ۲۹
- ۶- کتاب نهج البلاغه، ماده یوم
- ۷- مداراة الناس نصف الایمان و الفرق بهم نصف العیش، کتاب اصول کافی، باب مداراة الناس